

”

سال‌ها بود که فقط نفت داشتیم و به آن می‌نازیدیم. این وضعیت نه از لحاظ اقتصادی چشم‌انداز روشنی داشت، نه نیروهای فکور و پرتلاش علمی کشور را قانع می‌کرد. قیاس‌ها با کشورهای دیگر تحقیرکننده بود.

آنها را به صورت رایگان درمان می‌کردند یا آزمایشاتشان را رایگان انجام می‌دادند.

با به‌ثمرنشستن این ایده‌ها و تلاش‌ها، کم‌کم مسیر آینده سعید کاظمی‌آشتیانی شکل می‌گرفت؛ یعنی اِثکا به دانش و توانمندی جوانان با استعداد و میدان‌دادن به آنها، در کنار جذب سرمایه برای رفع نیازهای پزشکی مردم. سال‌ها بود که فقط نفت داشتیم و به آن می‌نازیدیم. این وضعیت نه از لحاظ اقتصادی چشم‌انداز روشنی داشت، نه نیروهای فکور و پرتلاش علمی کشور را قانع می‌کرد. قیاس‌ها با کشورهای دیگر تحقیرکننده بود؛ کشورهایی که بدون ثروت نفت پیشرفت کرده بودند، ولی ما با اِثکا به درآمد عظیم نفتی کاری نکرده بودیم. [۶] چرا تا آن زمان نتوانسته بودیم دست روی زانوی خودمان بگذاریم و بلند شویم؟

بچه‌های جهاد می‌خواستند مازاد درآمد خدماتی را که ارائه می‌کردند، در بخش تحقیقات سرمایه‌گذاری کنند و به عرصه‌های دیگر وارد شوند. اگر کار و فعالیتشان چرخه اقتصادی خودش را تأمین می‌کرد، هم درآمد مناسبی عاید می‌شد و هم می‌توانستند برای استفاده در بخش تحقیق و توسعه پس‌انداز کنند. فقط شرط مهمی داشت و آن هم اینکه «کارشان دیگر بوی نفت ندهد».

شب‌ی خاطره‌انگیز

آغاز تلاش‌های سعید و دوستانش به چند ماه قبل از افتتاح رسمی رویان برمی‌گردد؛ شب‌ی خاطره‌انگیز در زمستانی سرد و برفی در منطقه زعفرانیه.

بهمن‌ماه سال ۶۹ بود. زمستان آن سال، مؤسسه رویان به صورت غیررسمی فعالیت خودش را آغاز کرده بود. در یکی از روزهای بهمن‌ماه که قرار بود با حضور دکتر الحسنی اولین پانکچر (عمل تخمک‌گیری) در مؤسسه رویان انجام شود، به خاطر برف زیادی که در منطقه زعفرانیه باریده بود، ماشین‌های حمل گازوئیل

تأسیس دوم مرکز ارائه خدمات علوم آزمایشگاهی به مردم بود؛ یکی آزمایشگاه تشخیص طبی در محله جوانمرد قصاب و دیگری آزمایشگاه تشخیص طبی مستضعفین در چهارراه جهان کودک. آنها هم گره‌گشا بودند و با صرف هزینه‌های کم از جیب مردم، کار خلق خدا را راه می‌انداختند.

شاید امروز ما در خیابان ایران و اطراف آن حدود پانزده مرکز درمانی ببینیم، اما در آن سال‌های دهه ۶۰، این کلینیک‌ها واقعاً چراغ امید می‌بودند برای خیلی از افرادی که در آن مناطق یا در خیابان جوانمرد قصاب و شوش زندگی می‌کردند. این مراکز واقعاً باری را از روی دوش مستضعفان برمی‌داشت. در ایام دهه ۶۰، شرایط کشور مثل الان نبود که خدمات پزشکی برای مردم به راحتی انجام شود؛ آن سال‌ها واقعاً مشکلات زیاد بود و خیلی سخت می‌شد به مراکز درمانی دسترسی پیدا کرد. یعنی در این فضا و این برهه از تاریخ بعد از انقلاب بود که دکتر کاظمی چنین دیدگاهی داشت (دکتر عبدالحسین شاهرودی).

کارشان دیگر بوی نفت ندهد

ویژگی بارزش مراکزی که جهاد دانشگاهی راه انداخت، این بود که کمتر از مراکز دیگر پول می‌گرفتند؛ حتی از مراکز درمانی خیریه هم کمتر. طبیعتاً بودجه‌های جهاد، آن‌هم در زمان جنگ کفاف این نوع کارها و تخفیف‌ها را نمی‌داد، ولی سعید از خیران کمک‌های مالی می‌گرفت و صرف این مراکز می‌کرد. اگر مسئولان این کلینیک‌ها و آزمایشگاه‌ها می‌دیدند کسانی که مراجعه کرده‌اند واقعاً بی‌بضاعت‌اند، با حمایت خیران،

